

تاثیر مشغله کمیته حسابرسی بر مدیریت سود

الهام منصوری نیا

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی فروردین، قائم شهر، ایران. (نویسنده مسئول).
mansourinia.elham@gmail.com

حمید اکبری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی فروردین، قائم شهر، ایران.
akbari.hamid967913@yahoo.com

چکیده

هدف این تحقیق تاثیر مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود می باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش علمی همبستگی می باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۵ ساله ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ بوده است که از طریق نمونه گیری حذف سیستماتیک در مجموع شرکت مورد مطالعه قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل رگرسیون تعمیم یافته و داده های ترکیبی استفاده شد. یافته های تحقیق نشان داد بین مشغله حسابرسی و مدیریت سود واقعی و تعهدی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر در شرکت هایی که اعضای کمیته حسابرسی دارای چند سمت مدیریتی و اجرایی هستند مدیران شرکتها اقدام به رفتار فرصت طلبانه نموده و اقدام به مدیریت سود می نمایند.

واژگان کلیدی: مشغله کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی.

مقدمه

ظهور کمیته های حسابرسی به عنوان یک جزء کلیدی از ساختار راهبری شرکتی، همراه با توصیه های خاص در مورد ساختار و ترکیب آنها، تحقیقات دانشگاهی را برای درک بهتر نقش حاکمیتی تشویق کرده است. در طول دو دهه گذشته، محققان شواهد تجربی قابل توجهی در مورد استفاده و سودمندی کمیته های حسابرسی ارائه کرده اند. بیشتر این کار بر ارزش و ارتباط ویژگی های کمیته های حسابرسی که توسط مقررات، به ویژه اندازه، استقلال، دفعات جلسات و تخصص تصریح شده اند، متمرکز شده است. محققان معمولاً به دنبال بررسی این هستند که آیا این ویژگی ها بر جنبه های خاص رفتار شرکت تأثیر می گذارد و در نتیجه اثربخشی کمیته حسابرسی را افزایش یا کاهش می دهد (بلال^۱، ۲۰۱۸؛ غفران و اوسالیوان^۲، ۲۰۱۷؛ سماها و همکاران^۳، ۲۰۱۵).

شواهد نسبتاً قوی وجود دارد که اندازه کمیته حسابرسی (کنت و همکاران، ۲۰۱۰؛ یانگ و کریشنان، ۲۰۰۵)، استقلال (لو و همکاران^۴، ۲۰۱۰؛ شارما و کوانگ^۵، ۲۰۱۴)، تخصص مالی (هو و یانگ^۶، ۲۰۱۴؛ کریشنان) و تعداد جلسات (کنت و

¹ bilal

² Ghafran and O'Sullivan

³ Samaha and et al

⁴ Lo and et al

⁵ Sharma and kuang

⁶ Hu and Yang

همکاران^۱، ۲۰۱۰) تأثیر مثبتی بر کیفیت سود شرکت ها دارند. با این حال، شواهد به هیچ وجه در یک جهت نیست. مطالعات در فرانسه، اسپانیا و انگلستان نتوانسته اند تأثیر مشابهی پیدا کنند. یکی از جنبه‌های کمیته‌های حسابرسی که کمتر مورد توجه دانشگاهیان قرار گرفته است، تأثیر مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر اثربخشی آن است. برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که مشغله زیاد مدیران با عملکرد منفی شرکت همراه است و مطالعات دیگر نشان می‌دهند که شرکت با مدیران پر مشغله عملکرد بهتری دارد. این یافته‌های متضاد دو دیدگاه نظری را در مورد مشغله‌ی مدیران منعکس می‌کنند: از یک سو، مشغله اعضای کمیته حسابرسی خطری برای منافع سهامداران تلقی می‌شود، زیرا زمان مدیران پر مشغله بر روی هر سمت هیئت مدیره پخش می‌شود (یعنی فرضیه مشغله). از سوی دیگر، برخی استدلال می‌کنند که مدیران پر مشغله ممکن است به دلیل تقاضای بیشتر برای نظارت با کیفیت بالاتر (به عنوان مثال، فرضیه شهرت) همراه باشند (غفران و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

علیرغم مطالعات فراوانی که به بررسی تأثیر مشغله مدیران و عدم توافق بر سر تأثیر آن می‌پردازد، تنها چند مطالعه به دنبال بررسی بیشتر با بررسی مشغله اعضای کمیته های فرعی هیئت مدیره بوده اند. یکی از استثناها جیراپورن و همکاران (۲۰۰۹)، که دریافتند مدیرانی که مدیریت بیشتری دارند، کمتر به عنوان اعضای کمیته های فرعی هیئت مدیره شرکت می‌کنند و در نتیجه، به عنوان ناظران رفتار مؤثرین خواهند داشت. با این حال جیراپورن و همکاران (۲۰۰۹) شواهد ارائه کردند که مدیران به دلیل داشتن چندین سمت در هیئت مدیره از کار در کمیته فرعی منصرف می‌شوند، بنابراین بینش مستقیمی در مورد تأثیر مشغله بر اثربخشی آنها ارائه نمی‌دهد. تحقیقات دیگر تلاش کرده اند تأثیر مشغله را بر فرآیند گزارشگری مالی بررسی کنند. ولامینک و سارن^۳ (۲۰۱۵)، یک ارتباط مثبت بین اعضای کمیته حسابرسی که دارای سه یا چند سمت مدیریت هستند و کیفیت گزارشگری مالی پیدا کردند. در یک مطالعه استرالیایی، سلطانا و همکاران^۴ (۲۰۱۹) دریافتند که تعداد اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت اضافی تأثیر مثبتی بر حق الزحمه حسابرسی و تأثیر منفی بر اقلام تعهدی اختیاری دارد آنها استدلال می‌کنند که مشغله‌های کمیته حسابرسی تأثیر مثبتی هم بر کیفیت حسابرسی و هم بر کیفیت گزارشگری مالی دارد (غفران و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به مطالب ارائه شده در این تحقیق بررسی رابطه بین همپوشانی و تخصص رئیس کمیته حسابرسی و شیوه های اجرای حسابرسی داخلی پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کمیته حسابرسی

مفهوم کمیته حسابرسی برای اولین بار در سال ۱۹۳۹ توسط بورس نیویورک (NYSE) تایید شد. در طول دهه ۱۹۷۰، نقش کمیته حسابرسی به دلیل تقاضاهای زیاد برای حاکمیت شرکتی و پاسخگویی شرکتی بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در سال ۱۹۷۲، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده (SEC) اولین کسی بود که توصیه کرد که شرکت های دولتی باید کمیته حسابرسی متشکل از مدیران خارج از مدیریت شرکت های مربوطه ایجاد کنند. در سال ۱۹۷۷، بورس نیویورک ملزم شد که همه اعضای کمیته حسابرسی باید مدیران مستقل باشند. موسسه حسابداران رسمی آمریکا^۵ (۱۹۸۸) در بیانیه های خود در مورد استانداردهای حسابرسی "ارتباط با کمیته های حسابرسی" را در رابطه بین کمیته حسابرسی، حسابرسان مستقل و مدیریت شرکت های دولتی منتشر کرد. در سال ۱۹۹۹، کمیته روبان آبی (۱۹۹۹) تغییرات عمده قوانین

¹ Kent and et al

² Ghafran and et al

³ Vlaminck and sarnes

⁴ Sultana and et al

⁵ AICPA

مربوط به بهبود اثربخشی کمیته حسابرسی شرکتی را توصیه کرد. پس از فروپاشی شرکت انرون، ورلد کام، و دیگران، قانون ساربانز-آکسلی^۱ توسط کنگره ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ تصویب شد که به کمیته های حسابرسی قدرت بیشتری به خصوص در مورد الزامات افشاگر و افشاگر داد. قانون ساربانز-آکسلی در سال ۲۰۰۲ مسئولیت ها و اختیارات کمیته حسابرسی را افزایش داد. الزامات عضویت و ترکیب کمیته را افزایش داد تا مدیران مستقل بیشتری را شامل شود. شرکت ها موظف بودند افشا کنند که آیا یک کارشناس مالی در این کمیته حضور دارد یا خیر. علاوه بر این، کمیسیون بورس اوراق بهادار مقررات و قوانین جدیدی را برای تقویت بیشتر کمیته های حسابرسی پیشنهاد کردند.

کمیته های حسابرسی به عنوان ابزارهای مؤثر برای حاکمیت شرکتی شناسایی می شوند که پتانسیل گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می دهند. کمیته های حسابرسی بر مدیریت سازمان، حسابرسان داخلی و مستقل نظارت می کنند تا از حقوق صاحبان سهام و منافع آنها محافظت شود. برای حصول اطمینان از حاکمیت شرکتی مؤثر، گزارش کمیته حسابرسی باید سالانه در گزارش هیئت مدیره سازمان گنجانده شود و بیان کند که آیا کمیته حسابرسی صورتهای مالی را با مدیریت و حسابرسان داخلی بررسی و بحث کرده است یا خیر (البیدهانی^۲، ۲۰۱۴). کمیته حسابرسی به عنوان ناظر حاکمیت شرکتی باید اطلاعات صحیح، دقیق، کامل و قابل اعتماد را در اختیار عموم قرار دهد و نباید شکافی برای پیش بینی ها یا انتظارات باقی بگذارد. گزارش روبان آبی توصیه ها و اصول راهنما را برای بهبود عملکرد کمیته های حسابرسی ارائه می کند که در نهایت باید به حاکمیت شرکتی بهتر منجر شود. اهمیت عملکرد حسابرسی از نظر کمیته حسابرسی و مؤسسه حسابرسی توسط قانون ساربانز آکسلی در سال ۲۰۰۲ بیشتر تقویت شده است. استانداردها و اصول حاکمیت شرکتی از قوانین، مقررات و قوانین محلی و بین المللی و همچنین از قوانین، آیین نامه های رفتاری و مصوبات سازمان استخراج شده است. حاکمیت شرکتی بر سیستم ها و ساختارهای کنترلی متمرکز است که توسط آن مدیران در برابر ذینفعان قانونی سازمان پاسخگو هستند (الهابساح و یکینی^۳، ۲۰۲۱).

مدیریت سود

تعریف مشخص و شفاف از مدیریت سود وجود ندارد. مطالعات گذشته تعاریف مختلفی از مدیریت سود ارائه داده اند؛ فرنو همکاران (۱۹۹۴) مدیریت سود را به عنوان دستکاری سود توسط مدیریت به منظور دستیابی به قسمتی از پیش داوریهای مربوط به سود تعریف میکند. شیبیر (۱۹۸۹) مدیریت سود را دخالت هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی خارجی با قصد تحصیل سود تعریف نمود. اسکات (۲۰۰۹) مدیریت سود را بدین صورت تعریف مینماید: مدیریت سود عبارت است از انتخاب رویه های حسابداری توسط مدیر تا این که به واسطه این انتخاب، به اهداف خاصی نایل آید. رونویاری (۲۰۰۸) مدیریت سود را مجموعه ای از تصمیمات مدیریتی قلمداد می کنند که به منظور حداکثر کردن ارزش سود، برخی از حقایق کوتاه مدتی که برای مدیریت شناخته شده اند را گزارش نمی کند (مرفوع و حسن زاده، ۱۳۹۹).

مدیران پرمشغله و مدیریت سود

برگزاری چند ریاست به عنوان یک موضوع مهم مطرح شده است زیرا ممکن است بر پتانسیل نظارت مدیران غیرموظف تأثیر بگذارد. از یک طرف، مدیرانی که دارای چندین کرسی در هیئت مدیره هستند ممکن است نشان دهنده تأثیر شهرت باشد که به موجب آن مدیرانی که ناظران مؤثرتری در نظر گرفته می شوند، احتمالاً پست های بیشتری در هیئت مدیره به آنها پیشنهاد می شود. با این حال، داشتن پست های بیشتر در هیئت مدیره، فرصت آن مدیران را محدودتر می کند و آنها را

¹ Sarbanes-Oxley

² Al-Baidhani

³ Alhababsah and Yekini

تحت فشار زمانی بیشتری قرار می‌دهد (آدامز و همکاران، ۲۰۱۰). فیچ و شیوداسانی (۲۰۰۶) در یکی از جامع‌ترین مطالعات مربوط به مشاغل مدیران خارجی، دریافتند که شرکت‌هایی که اکثریت غیرموظفین در آن مشغول هستند، با حاکمیت شرکتی ضعیف، نسبت بازار به دفتر پایین‌تر، سودآوری ضعیف‌تر و حساسیت کمتر مرتبط هستند. جابجایی مدیرعامل به عملکرد شرکت. فیچ و شیوداسانی (۲۰۰۶) همچنین دریافتند که انتصاب یک مدیر غیراجرایی پرمشغله با کاهش بازده غیرعادی در سایر شرکت‌هایی که در آنها یک سمت هیئت مدیره دارد، همراه است و خروج یک مدیر پرمشغله تأثیر مثبتی دارد. در بازده غیرعادی شرکتی که او را ترک می‌کند. جیراپورن و همکاران (۲۰۰۹) بررسی می‌کند که آیا تعهدات متعدد هیئت مدیره بر توانایی مدیران برای انجام وظایف خود تأثیر می‌گذارد و متوجه می‌شود که مدیران پرمشغله تمایل دارند در جلسات کمتری شرکت کنند و کمتر در کمیته‌های فرعی هیئت مدیره حضور دارند.

با این حال، مطالعات دیگر، شواهدی را گزارش می‌کنند که با فرضیه شهرت مطابقت دارد که به موجب آن به نظر می‌رسد شرکت‌ها از داشتن افراد غیر اجرایی با چندین سمت هیئت مدیره سود می‌برند. برای مثال، فریس و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که مدیران پرمشغله بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیر نمی‌گذارند، اما دریافتند که شرکت منصوب کننده زمانی که یک مدیر مشغول به هیئت مدیره اضافه می‌کند، بازده غیرعادی مثبتی دارد. گل و لیونگ (۲۰۰۴) رابطه مثبتی بین تعداد مدیران خارجی که توسط غیرموظفین و سطوح شفافیت و نظارت در شرکت به دست می‌آیند، یافتند، در حالی که فریس و شیمیزو (۲۰۰۴) گزارش می‌دهند که شرکت‌هایی که دارای هیئت مدیره پرمشغله هستند، ارقام تعهدی غیرعادی بالاتری دارند. بنابراین، به طور خلاصه، تئوری پیشنهاد می‌کند که مشغله اعضای هیئت مدیره ممکن است تأثیر مثبت (شهرت) یا منفی (مشغله) بر شرکت‌ها داشته باشد.

از آنجایی که کمیته‌های حسابرسی اساساً کمیته‌ای فرعی از هیئت مدیره اصلی هستند و معمولاً فقط مدیران غیرموظف هستند، انتظار می‌رود استدلال‌های نظری مشابهی اعمال شوند. همانطور که توسط سلطانا و همکاران^۱ (۲۰۱۹) فرضیه شهرت استدلال می‌کند که عضویت در هیئت مدیره‌ها و کمیته‌های حسابرسی بیشتر ممکن است نشان دهنده تخصص بیشتر باشد و بنابراین به بهبود شهرت اعضای کمیته حسابرسی کمک می‌کند. از آنجایی که اعضای پرمشغله کمیته حسابرسی تجربه و دانش بیشتری به دست می‌آورند، انتظار می‌رود که در نظارت خود بر مدیریت مؤثرتر شوند و با بهبود کیفیت گزارشگری مالی مرتبط باشند. برخی از حمایت‌های تجربی برای این استدلال وجود دارد. یانگ و کریشان (۲۰۰۵) گزارش می‌دهند که شرکت‌های آمریکایی که اعضای کمیته حسابرسی آنها در هیئت مدیره‌های خارجی بیشتری حضور دارند، ارقام تعهدی اختیاری سه ماهه کمتری دارند. سارنز^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه خود بر روی شرکت‌های فهرست شده بلژیکی دریافتند که اعضای کمیته حسابرسی با سه یا بیشتر کرسی خارج از هیئت مدیره با افشای مالی با کیفیت بالاتر مرتبط هستند. در یک مطالعه استرالیایی، سلطانا و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که کمیته‌های حسابرسی با اعضای بیشتری که دارای سمت‌های مدیریتی اضافی هستند، تأثیر مثبتی بر حق الزحمه حسابرسی و تأثیر منفی بر استفاده از ارقام تعهدی اختیاری دارند. این شواهد با این ایده که اعضای پرمشغله تر کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهند سازگار است. از سوی دیگر، فرضیه مشغله استدلال می‌کند که خدمت در هیئت مدیره‌های متعدد و کمیته‌های حسابرسی و حجم کاری مرتبط، توانایی اعضای کمیته حسابرسی را برای نظارت کافی بر تمایل مدیران به مدیریت سود به خطر می‌اندازد. به عنوان مثال، شارما و ایزلین (۲۰۱۲) دریافتند که میانگین تعداد پست‌های مدیریتی که توسط اعضای کمیته حسابرسی برگزار می‌شود به طور مثبت با تحریفات مالی مرتبط است. به طور مشابه، تانی و اسمیت (۲۰۱۵) دریافتند که تعداد سایر موقعیت‌های تخصصی مالی که توسط اعضای کمیته حسابرسی که کارشناسان مالی هستند، تأثیر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی

¹ Sultana et al

² Sarens

دارد. کاررا و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که اعضای کمیته حسابرسی با تخصص مالی که در چندین کمیته حسابرسی حضور دارند، تأثیر منفی بر کیفیت سود دارند. به طور مشابه، ذالیوال و همکاران (۲۰۱۰) مستند می‌کند که اعضای کمیته حسابرسی خبره حسابداری با مدیریت کمتری با مدیریت سود کمتر مرتبط هستند.

سانگ و ویندرام (۲۰۰۴) در گزارش شواهد خود در بریتانیا استدلال می‌کنند که اقدامات بیشتر متوجه شرکت‌هایی است که اعضای کمیته حسابرسی آن‌ها سمت‌های مدیریت بیشتری دارند. در حالی که یافته‌ها از نظر آماری ناچیز هستند، آن‌ها خاطرنشان می‌کنند که «احتمالاً با افزایش مدیریت‌های خارج از یک حد معین، محدودیت‌های زمانی تأثیر نامطلوبی بر توانایی مدیران برای نظارت مؤثر خواهد داشت. مطالعات دیگر گزارش می‌دهند که مشغله کمیته حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت گزارشگری مالی ندارد. به عنوان مثال، دائو و همکاران (۲۰۱۳) هیچ ارتباطی بین تعداد سایر سمت‌های مدیر که توسط اعضای کمیته حسابرسی نگهداری می‌شوند و هزینه سرمایه سهام برای نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی پیدا نکردند. حبش و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه خود در انگلستان دریافتند هیچ ارتباط قابل توجهی بین مدیریت اضافی که توسط اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد، پیدا نکردند.

تئوری و شواهد موجود تصویر نسبتاً متفاوتی را بدون اجماع آشکار در مورد تأثیر مشغله کمیته حسابرسی بر مدیریت سود نشان می‌دهد. علاوه بر این، بحث قبلی در مورد تأثیر مشغله کمیته حسابرسی بر اثربخشی کمیته حسابرسی نشان می‌دهد که شواهد از انگلستان ممکن است لزوماً مشابه شواهد سایر حوزه‌های قضایی، به ویژه ایالات متحده نباشد. تحول اخیر نقش مرکزی کمیته‌های فرعی هیئت‌مدیره در معماری حاکمیت شرکتی بریتانیا، و همچنین مسئولیت‌های سختی که اعضای کمیته حسابرسی با آن روبرو هستند، نشان می‌دهد که کشتی‌های مدیر اضافی ممکن است با پتانسیل نظارت کمیته حسابرسی در محیط بریتانیا تداخل داشته باشند. با توجه به شواهد ترکیبی، ما ذهنی باز داریم و یک فرضیه خنثی در رابطه با تأثیر مورد انتظار مشغله کمیته حسابرسی بر کیفیت سود ارائه می‌کنیم.

اما بحران مالی و پیامدهای آن دوره بسیار مفیدی برای ارزیابی اثربخشی کمیته‌های حسابرسی است. همانطور که آلدامن و دانکن (۲۰۱۶) اشاره می‌کنند، "شوک‌های مالی غیرمنتظره یک محیط منحصر به فرد برای بررسی اثربخشی حاکمیت شرکتی فراهم می‌کند. در واقع، در بریتانیا، شکست غیرمنتظره تعدادی از شرکت‌های پرمخاطب منجر به تأسیس کمیته کادبری^۱ در سال ۱۹۹۲ و متعاقب آن انقلاب در حاکمیت شرکتی شد.

به طور مشابه، شکست انرون در ایالات متحده مستقیماً به اجرای ساربینز آکسلی^۲ و سایر اصلاحات نظارتی منجر شد. اگرچه بحران مالی جهانی عمدتاً به عنوان آشکارکننده ضعف در حاکمیت شرکت‌های مالی تلقی می‌شود، اما به طور گسترده‌تری توجه را بر حاکمیت متمرکز کرده است، به ویژه از نظر مناسب بودن و کاربرد موضوعات گزارش‌گری مالی خاص و پیامدهای سطوح بالای مالی. ریسک (کرک پاتریک، ۲۰۰۹).

جای تعجب نیست که تحقیقات در مورد علل و پیامدهای بحران مالی بر بانکداری و بخش مالی گسترده‌تر متمرکز شده است. با توجه به اینکه ما بر شرکت‌های غیرمالی تمرکز می‌کنیم، مطالب زیر سعی می‌کند طعمی از چنین کارهایی را که ممکن است برای مطالعه ما مرتبط باشد، به تصویر بکشد. ویلیامز و همکاران در مطالعه‌ای درباره تأثیر بحران مالی بر حاکمیت شرکت‌های استرالیایی (۲۰۱۵) دریافتند که شرکت‌ها با ارتقای استقلال هیئت‌مدیره خود و ارائه افشای بیشتر در مورد مهارت‌های فردی مدیران خارجی پاسخ دادند. هاپت (۲۰۱۳) در ارزیابی خود از درس‌های حکمرانی برای بانک‌ها و سایر موسسات مالی پس از بحران، بر فقدان تخصص صنعت در میان غیر مجریان و پیامدهای احتمالی فدا کردن

¹ Cadbury

² Sarbanes-Oxley

تخصص به خاطر استقلال تمرکز می کند. در مطالعه کمیته های حسابرسی در طول بحران، آدامن و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که کمیته های حسابرسی با تخصص مالی بیشتر و تعداد مدیران اضافی بیشتر با عملکرد مالی بهتر مرتبط هستند. بحران ها و شکست های شرکتی پرمخاطب تقریباً همیشه با تأملاتی در مورد کفایت حاکمیت شرکتی همراه بوده است. بنابراین، ما انتظار می رود شرکت ها بیشتر خود را تقویت کنند.

ترتیبات حاکمیتی پس از بحران و کمیته های حسابرسی احتمالاً بخش مهمی از این تلاش خواهند بود. علاوه بر این، همانطور که کرکپاتریک (۲۰۰۹)، هاپت (۲۰۱۳) و دیگران تأکید کردند، بیشتر بازتاب پس از بحران بر ماهیت و کیفیت افشاهای مالی متمرکز شده است. بنابراین، انتظار می رود شرکت ها بر اثربخشی کمیته حسابرسی خود تمرکز کنند و کمیته های حسابرسی در دوره پس از بحران روی به حداقل رساندن مدیریت سود تمرکز کنند. در نتیجه، ممکن است انتظار داشته باشیم که یک رابطه ضعیف تر بین کیفیت سود و تعداد مدیریت های متعدد اعضای کمیته حسابرسی وجود داشته باشد. از سوی دیگر، همانطور که قبلاً بحث شد، بحران مالی نیز ممکن است شرکت ها را تشویق به استفاده از اعضای کمیته حسابرسی که دارای سمت های مدیریتی بیشتری هستند، داشته باشد.

این می تواند منجر به شلوغ تر شدن کمیته های حسابرسی و کاهش بالقوه توانایی آنها برای نظارت کافی بر مدیریت سود شود. بنابراین، در حالی که انتظار می رود این بحران تمرکز بر اهمیت کمیته های حسابرسی را افزایش دهد و شرکت ها را تشویق کند تا تلاش خود را بهبود بخشند، در انجام این کار، ممکن است استفاده از اعضای با تجربه تر و پرمشغله تر را تشویق کند که ممکن است به دلیل مشغله کاری بر خلاف کیفیت سود باشد. از این قبیل اعضا پیش بینی اینکه کدام یک از این استدلال های رقیب غالب خواهد بود، دشوار است.

انتظار می رود که شرکت ها از اعضای پرمشغله کمیته حسابرسی در شرایطی که مشغله بر اثربخشی کمیته تأثیر منفی می گذارد، استفاده نکنند. این احتمالاً هر گونه تأثیر منفی مشغله را بر کیفیت درآمد این شرکت ها از بین می برد یا به طور قابل توجهی کاهش می دهد. از سوی دیگر، انتظار می رود شرکت های کوچک تر فهرست شده سطوح پایین تری از برخی ویژگی های حاکمیتی مرتبط داشته باشند (غفران و اوسالیوان، ۲۰۱۷). بنابراین، مشغله مدیران ممکن است بر رفتار آنها، از جمله نظارت بر مدیریت سود، تأثیر منفی بگذارد. همچنین انتظار می رود که شرکت های کوچک تر فهرست شده در معرض نظارت خارجی بسیار کمتری از ترتیبات حاکمیتی خود، از جمله حساسیت مشغله هیئت مدیره به کیفیت سود، قرار گیرند.

پیشینه تحقیق

غفران و همکاران (۲۰۲۲)، تأثیر مشغله های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بررسی می نمایند، یافته های تحقیق نشان داد که مشغله اعضای کمیته حسابرسی تأثیر منفی بر کیفیت سود دارد، که نشان می دهد اعضای که تعداد کرسی های هیئت مدیره بیشتری دارند، نقش نظارتی کمتری در تمایل مدیران برای دستکاری سود دارند. همچنین تأثیر مخرب کمیته های حسابرسی پرمشغله در طول بحران مالی آشکارتر است و در مورد مدیریت سود واقعی، پس از آن مشاهده نمی شود.

تمویز و همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی، عملکرد حسابرسی داخلی و شیوه های گزارش دهی پایداری پرداختند. نتایج نشان داد که اثربخشی کمیته حسابرسی و عملکرد حسابرسی داخلی به طور مثبت و قابل توجهی با شیوه های گزارش دهی پایداری مرتبط هستند. همچنین اثربخشی کمیته حسابرسی و عملکرد حسابرسی داخلی به طور قابل توجهی با شاخص های اقتصادی و اجتماعی و شاخص های پایداری محیطی مرتبط هستند.

انی و یان (۲۰۲۰) نشان دادند که طیف وسیعی از مهارت‌های اعضای کمیته حسابرسی در نظارت بر مدیریت بسیار مؤثر است. استقلال اعضای کمیته، تخصص حسابداری و مالی آنها، تعداد بیشتر اعضای کمیته و حمایت از محافظه کاری حسابداری نقش اساسی در محدود کردن رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت دارد.

تجویدی و قائم پناه (۱۴۰۰)، به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که مشارکت کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی، افزایش استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود کمتر، رابطه معناداری دارد. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه یو وارونه شکلی (C) بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد. به عبارت دیگر، استقلال کم کمیته حسابرسی قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران نخواهد بود. بنابراین، زمانیکه اکثریت اعضای کمیته حسابرسی مستقل باشند (بیش از ۵۰٪)، استقلال کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه یو شکلی (E) بین تعداد جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد. در این راستا، برگزاری جلسات ماهانه کمیته حسابرسی (۱۲ جلسه در سال) بیشترین اثربخشی را در جلوگیری از مدیریت سود دارد. تعداد مؤثر جلسات کمیته حسابرسی از طریق حداقل منحنی (سطح کمینه) تعیین می‌گردد؛ که منعکس کننده پایین‌ترین سطح اقدام تعهدی اختیاری می‌باشد.

قائمی و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی با کنترل‌های داخلی و مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین هر دو ویژگی کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی) با ضعف در کنترل‌های داخلی و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد اما بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد. کرمی و همکاران (۱۳۹۷)، رابطه تخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی با مدیریت انتظارات را مورد بررسی قرار دادند. بدین منظور، نمونه‌ای از ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انتخاب شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد حضور اعضای متخصص در کمیته حسابرسی، بر احتمال رخداد مدیریت انتظارات و ایجاد اختلاف سود نامنفی حاصل از آن تأثیر نمی‌گذارد؛ اما میزان مدیریت انتظارات کاهش می‌یابد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. هدف تحقیق کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. هم چنین تحقیق حاضر، از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی است. در این تحقیق هدف، تعیین میزان رابطه متغیر هاست. برای این منظور بر حسب مقیاس های اندازه گیری متغیر ها، شاخص های مناسبی اختیار می شود.

اطلاعات مورد نیاز شرکتهای منتخب با مراجعه به صورتهای مالی و یادداشتهای توضیحی همراه صورتهای مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال و نرمافزار رهاورد نوین گردآوری شده اند. در نهایت، نتایج حاصل از اندازه گیری متغیرها، بمنظور محاسبات آماری وارد نرم افزار Eviews8 می شود. در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه ها، از الگوی رگرسیون حداقل مربعات معمولی بصورت داده ترکیبی استفاده می شود. جامعه آماری این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است که به ویژگی زیر داشته باشند.

۱) دوره مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.

۲) شرکتهای در طی دوره مورد بررسی تغییر دوره نداده باشند.

۳) اطلاعات شرکتهای در دسترس باشد.

۴) شرکتها در طی دوره مورد بررسی وقفه معاملاتی نداشته باشند.
۵) بانکها، نهادهای مالی، شرکت‌های واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت بیمه از نمونه تحقیق حذف می‌گردند.

باتوجه به محدودیتهای فوق نمونه نهایی تحقیق شامل ۱۰۲ شرکت و ۵۱۰ مشاهده (۵×۱۰۲) می‌باشد.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اول: مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی تاثیر معنی داری دارد.
فرضیه دوم: مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی تاثیر معنی داری دارد.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

مدیریت سود

برای اندازه‌گیری مدیریت سود در تحقیق پیش رو دو معیار مدیریت ارقام واقعی و تعهدی سود، در نظر گرفته خواهد شد.

اندازه‌گیری مبنای تعهدی مدیریت سود

برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری مدیریت سود، از مدل تعدیل شده جونز که به وسیله دچو و اسلون در ۱۹۹۵ اصلاح شده است، استفاده خواهیم نمود.

$$\frac{TA_{i,t}}{AT_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{AT_{i,t-1}} + \beta_2 \left(\frac{\Delta SAL_{i,t}}{AT_{i,t-1}} - \frac{\Delta AR_{i,t}}{AT_{i,t-1}} \right) + B_3 \frac{PPE_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در این مدل:

i: شرکت.

t: سال.

AT_{i,t-1}: جمع دارائی‌ها در ابتدای سال t (در انتهای سال t-1) برای شرکت i.

PPE_{i,t}: مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t برای شرکت i.

ΔAR: تغییرات در حساب‌ها و اسناد دریافتی طی سال t-1 تا t برای شرکت i.

TA: جمع دارایی‌های شرکت.

ΔSAL: تغییرات درآمد طی سال t-1 تا t برای شرکت i.

ε: باقی‌مانده مدل.

مدیریت سود واقعی

برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی همچون کوهن و زاروین (۲۰۱۰)^۱ از سه معیار سطح غیر عادی ارقام تولیدی، سطح غیرعادی ارقام اختیاری، سطح غیرعادی جریان نقدی عملیاتی استفاده می‌شود. برای اندازه‌گیری این سه معیار به ترتیب از مدل‌های رگرسیون زیر استفاده می‌شود و در همه آن‌ها ε (جزء باقیمانده معادله رگرسیون) نشان دهنده سطح غیر

¹ Cohen & Zarowin

عادی متغیر برآورد شده است. سه معیار معیار سطح غیرعادی ارقام تولیدی، سطح غیرعادی ارقام اختیاری، سطح غیرعادی جریان نقدی عملیاتی از طریق تحلیل عاملی تبدیل به معیار واحد خواهد شد و به عنوان متغیر وابسته در مدل رگرسیونی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سطح غیرعادی ارقام تولیدی

مدل زیر برای برآورد تولید غیرعادی استفاده می‌شود به نحوی که باقیمانده مدل به عنوان معیار ارقام تولید غیرعادی (ABPROD) در نظر گرفته شده است (کوهن و زاروین، ۲۰۱۰).

$$\frac{PROD_{i,t}}{AT_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{AT_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{SALE_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta SALE_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta SALE_{i,t-1}}{AT_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

SALE: درآمد فروش شرکت.

PROD: هزینه تولیدی شرکت i که برابر مجموع هزینه کالای فروش رفته و تغییرات در موجودی از سال $t-1$ تا t .

AT: ارزش دفتری دارایی شرکت i در سال $t-1$.

ε : باقی مانده مدل.

سطح غیرعادی ارقام اختیاری

معیار دیگر اندازه‌گیری کیفیت سود واقعی ارقام اختیاری غیرعادی است. ما هزینه‌های اختیاری عادی را به وسیله مدل زیر تخمین می‌زنیم و با باقیمانده مدل به عنوان معیار ارقام اختیاری غیرعادی (ABDISX) در نظر گرفته شده است.

$$\frac{DISX_{i,t}}{AT_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{AT_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{SALE_{i,t-1}}{AT_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

ارقام اختیاری (DISX) برابر است با مجموع هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های تبلیغات است (هزینه‌های تحقیق و توسعه در صورت در دسترس بودن لحاظ خواهد شد و در غیر این صورت صفر قرار می‌دهیم).

سطح غیرعادی جریان نقدی عملیاتی

برای برآورد جریان وجه نقد عملیاتی عادی از مدل زیر استفاده می‌کنیم. باقی مانده مدل زیر نشان دهنده سطح غیرعادی جریان نقدی عملیاتی (ABCFO) است

$$\frac{CFO_{i,t}}{AT_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{AT_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{SALE_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta SALE_{i,t}}{AT_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

جریان نقد عملیاتی (CFO) از صورت جریان وجوه نقد شرکت استخراج می‌شود.

متغیر مستقل تحقیق

مشغله کمیته حسابرسی (AC bussyness)

از چندین متغیر برای محاسبه میزان مشغله کمیته حسابرسی استفاده می‌شود.

ابتدا، میانگین تعداد سمتهایی که توسط اعضای کمیته حسابرسی در هر شرکت اشغال شده تقسیم بر تعداد اعضای کمیته حسابرسی محاسبه می شود. دوم، نسبت اعضای کمیته حسابرسی که حداقل دو سمت مدیریتی اضافی دارند محاسبه میگردد. سوم، تعداد پست های اضافی کمیته حسابرسی که توسط اعضای کمیته حسابرسی اشغال می شود شناسایی کرده و بر تعداد اعضای کمیته حسابرسی تقسیم می شود. چهارم، برای تجزیه و تحلیل مشغله رئیس کمیته حسابرسی، از یک متغیر مجزا استفاده میشود تا تعداد مدیریت های اضافی که توسط رئیس کمیته حسابرسی تصاحب می شود شناسایی شود. در نهایت از مجموع معیارهای بالا متغیر مشغله کمیته حسابرسی محاسبه می گردد (سعید و همکاران، ۲۰۲۲). برای استخراج داده های مربوطه سمت های اضافی اعضا و رئیس کمیته حسابرسی از گزارشات هیئت مدیره استفاده میشود.

متغیرهای کنترلی

اندازه کمیته حسابرسی (ACsize)

برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد اعضای کمیته حسابرسی.

استقلال کمیته حسابرسی (ACindp)

از تقسیم تعداد اعضای مستقل یا غیر موظف کمیته بر کل اعضای کمیته حسابرسی محاسبه می گردد. عضو مستقل عضوی است فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذینفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد (منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱).

تعداد جلسات کمیته حسابرسی (ACmeet)

برابر است با لگاریتم طبیعی از تعداد جلسات برگزار شده توسط کمیته حسابرسی در طی دوره مالی مورد بررسی.

تخصص اعضای کمیته حسابرسی (ACExper)

اگر یکی از اعضای کمیته حسابرسی دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته حسابداری و مالی داشته باشد مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود. Loos: اگر شرکت در طی دوره مالی زیان داشته باشد مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

Size: لگاریتم طبیعی کل داراییها در پایان دوره مالی.

Leverage: نسبت کل بدهی به کل داراییهای شرکت در پایان دوره مالی.

ROA: نرخ بازده داراییها. سود قبل از کسر مالیات تقسیم بر کل داراییها شرکت در پایان دوره مالی.

Big: اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شود مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

Logauditfee: لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی.

Independent Directors: برابر است با نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره.

مدل آزمون فرضیه ها

برای آزمون فرضیه های تحقیق مطابق با تحقیق سعید و همکاران (۲۰۲۲)، از مدل رگرسیونی زیر استفاده می شود:
مدل آزمون فرضیه اول:

$$AEM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACbussyness + \beta_2 ACsize_{i,t} + \beta_3 ACindp_{i,t} + \beta_4 ACmeet_{i,t} + \beta_5 ACExper_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 Leverage_{i,t} + \beta_8 Independent\ Directors_{i,t} + \beta_9 Logauditfee_{i,t} + \beta_{10} Big_{i,t} + \beta_{11} ROA_{i,t} + \beta_{12} LOOS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل آزمون فرضیه دوم:

$$REM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACbussyness + \beta_2 ACsize_{i,t} + \beta_3 ACindp_{i,t} + \beta_4 ACmeet_{i,t} + \beta_5 ACExper_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 Leverage_{i,t} + \beta_8 Independent\ Directors_{i,t} + \beta_9 Logauditfee_{i,t} + \beta_{10} Big_{i,t} + \beta_{11} ROA_{i,t} + \beta_{12} LOOS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

REM: مدیریت سود واقعی.

AEM: مدیریت سود تعهدی.

AC busyness: مشغله کمیته حسابرسی.

ACsize: اندازه کمیته حسابرسی.

ACindp: استقلال کمیته حسابرسی.

ACmeet: تعداد جلسات کمیته حسابرسی.

ACExper: تخصص کمیته حسابرسی.

Loos: زبان شرکت.

Size: اندازه شرکت.

Leverage: اهرم مالی.

ROA: نرخ بازده داراییها.

Big: اندازه موسسه حسابرسی.

Logauditfee: حق الزحمه حسابرسی.

Independent Directors: استقلال هیئت مدیره.

یافته های تحقیق

با توجه به حجیم بودن آزمون های مربوط به مدل های جانبی جهت محاسبه مدیریت سود از آوردن آزمون های اضافی خودداری نموده و مدل های اصلی تحقیق برای آزمون فرضیه ها ارائه می گردد.

آزمون عدم همبستگی میان متغیرهای مدل

جدول (۱): آزمون عدم همبستگی متغیرهای مدل اصلی

متغیر	ACBUSSYNESS	ACSIZE	ACINDP	ACMEET	ACEXPER	LOOS	SIZE	LEVERAGE	ROA	BIG	LOGAUDITFEE	INDEPENDENT
ACBUSSYNESS	✓											
ACSIZE	-۰/۰۰۲	✓										
ACINDP	-۰/۰۲۴	-۰/۲۲	✓									
ACMEET	-۰/۰۴۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۲	✓								
ACEXPER	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۴۵	-۰/۰۵۶	✓							
LOOS	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۴	-۰/۰۱۵	-۰/۰۵۷	✓						
SIZE	-۰/۰۱۲	-۰/۰۲۵	-۰/۰۴۹	-۰/۰۱۲	-۰/۰۴۷	-۰/۰۶۸	✓					
LEVERAGE	-۰/۰۲۱	-۰/۰۶۲	-۰/۰۶۹	-۰/۰۵۱	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳۷	-۰/۰۲۹	✓				
ROA	-۰/۰۰۷	-۰/۰۴۲	-۰/۰۳۴	-۰/۰۵۷	-۰/۰۶۷	-۰/۰۳۷	-۰/۰۱۶	-۰/۰۵۱	✓			
BIG	-۰/۰۰۹	-۰/۰۱۹۷	-۰/۰۰۶	-۰/۰۴۷	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱۱۷	-۰/۰۶۸	-۰/۰۱۹	-۰/۰۱۳	✓		
LOGAUDITFEE	-۰/۰۰۵۸	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴۵	-۰/۰۰۳	-۰/۰۲۵	-۰/۰۱۵	-۰/۰۰۸	-۰/۰۳۳	✓	
INDEPENDENT	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۶۹	-۰/۰۰۶	-۰/۰۴۱	-۰/۰۵۷	-۰/۰۰۸	-۰/۰۳۸	-۰/۰۱۶	-۰/۰۴۴	-۰/۰۲۹	-۰/۰۵۹	✓

با توجه به نتایج جدول (۱) مشخص گردید ضریب همبستگی خیلی زیاد یا خیلی کم (نزدیک به +۱ یا -۱) که نتایج تحلیل رگرسیونی را تحت تأثیر قرار دهد مشاهده نمی شود. در نتیجه همبستگی و هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد.

آزمون مانایی متغیرهای مدل آزمون همبستگی مقاطع

قبل از برآورد الگوی داده های ترکیبی، لازم است آزمون پایایی متغیرها انجام شود. اما قبل از انجام آزمون پایایی داده های ترکیبی، باید آزمون وابستگی بین مقاطع به منظور انتخاب آزمون ریشه واحد مناسب انجام شود. آزمونهای مختلفی جهت بررسی پایایی متغیرهای داده های ترکیبی وجود دارد که انتخاب آزمون مناسب از بین آنها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است (بالتاجی، ۲۰۰۵). به منظور بررسی وابستگی بین مقاطع از آزمون وابستگی بین مقاطع پسران (۲۰۱۵) که نسخه تکمیل شده آزمون پسران (۲۰۰۴) است، استفاده شده است. در صورت تایید وابستگی مقطعی در داده های ترکیبی، استفاده از روشهای مرسوم ریشه واحد داده های ترکیبی نظیر آزمون لوین، لین و چو^۱ (LIC)، ایم، پسران و شین^۲ (IPS)، احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمونهای ریشه واحد داده های ترکیبی متعددی با وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده است که آزمون ریشه واحد پسران^۳ (CIPS) از آن جمله است. آماره آزمون پسران از توزیع نرمال استاندارد پیروی کرده و توانایی کاربرد در پانلهای متوازن و غیر متوازن و مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی را دارد. فرضیه صفر در این آزمون آنست که پسماندها همبسته نیستند و در نتیجه وابستگی مقطعی وجود ندارد. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسماندهای مدل در جدول زیر ارائه شده است.

¹ Levin, Lin & Chu t(LLC)

² Im, Pesaran and Shin W-stat(IPS)

³ Pesaran's Cross-Section Test

جدول (۲): نتایج آزمون همبستگی مقاطع

احتمال	آماره	آزمون	مدل
۰/۲۵۱	۷/۲۷	Pesaran's Cross-Section Test	مدل ۱
۰/۲۵	۷/۵۱	Pesaran's Cross-Section Test	مدل ۲

با توجه به نتایج جدول ۳ و احتمال آزمون پسران که بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه صفر در سطح معنی داری ۰/۹۵ رد نمی شود به عبارت دیگر پسماندها در میان مقاطع همبستگی ندارند و وابستگی مقطعی وجود ندارد. با توجه به عدم وابستگی مقاطع آزمون ریشه واحد با استفاده از روش لوین، لین و چو صورت می گیرد. در آزمون ریشه واحد فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد بوده و در صورتیکه احتمال جدول کوچکتر از ۰/۰۵ باشد به احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر پذیرفته نمی شود. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل به شرح جدول (۲) می باشد:

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرهای مدل اصلی

Levin, lin & chut		متغیر
احتمال	آماره	
۰/۰۰۰	-۸۷/۴۲	REM
۰/۰۰۰	-۱۶/۹۹	AEM
۰/۰۰۰	-۴۴/۸۹	ACBUSSYNESS
۰/۰۰۰	-۲/۵۴	ACSIZE
۰/۰۰۰	-۶/۰۷	ACINDP
۰/۰۰۰	-۴۷/۷	ACMEET
۰/۰۰۰	-۵۸/۱	ACEXPER
۰/۰۰۰	-۱۵/۹	LOOS
۰/۰۰۰	-۱۴/۲۵	SIZE
۰/۰۰۰	-۱۸/۵۹	LEVERAGE
۰/۰۰۰	-۱۷/۸۵	ROA
۰/۰۰۰	-۷۲/۸۵	BIG
۰/۰۰۰	-۱۴/۲۵	LOGAUDITFEE
۰/۰۰۰	-۵۱/۲۲	IINDEPENDENTDIRECTORS

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۳) مشخص گردید که تمامی متغیرها بر اساس آزمون لوین لین و چو انجام شده در سطح مانا هستند.

آزمون نرمال بودن جملات خطا مدل

یکی از متداول ترین آزمون های به کار رفته به منظور نرمالیتی، آزمون جارک-برا (Jarque- Bera) یا به اختصار BJ میباشد. آماره آزمون از یک توزیع χ^2 با درجه آزادی ۲ با فرض صفری مبنی بر نرمالیتی توزیع خطاها، تبعیت میکند. در صورتیکه پسماندها به صورت نرمال توزیع شده باشند، هیستوگرام باید به صورت زنگوله ای بوده و آماره BJ معنی دار نخواهد بود. این بدین معنی است که p-value داده شده در پایین صفحه مربوط به آزمون نرمالیتی باید بزرگتر از ۰/۰۵ باشد تا فرضیه صفر نرمالیتی در سطح ۵٪ رد نشود (بدری و عبدالباقی، ۱۳۸۹). جدول زیر نتایج حاصل از آزمون نرمالیت پسماند مدل را نشان میدهد. با توجه به اینکه p-value برای باقیمانده های مدل بزرگتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن جملات خطا در مدل مذکور پذیرفته میشود (بدری و عبدالباقی، ۱۳۸۹).

جدول (۴): نتایج آزمون نرمالیت باقیمانده مدل

احتمال	مقدار	مدل اصلی
۰/۰۵۱	۸/۹۵	مدل ۱
۰/۰۶۸	۱۸/۲۶	مدل ۲

آزمون همسانی واریانس جملات خطا مدل

یکی از پیش فرض های مدل رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطا است. به طوری که با وجود ناهمسانی واریانس در مدل، افزایش یا کاهش در متغیر مستقل، واریانس متغیر وابسته که برابر با واریانس پسماند است تغییر می کند. در این تحقیق برای بررسی همسانی واریانس ها در داده های ترکیبی از روش بروش پاگان-گادفری استفاده می شود. در این روش، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس ها و فرض مخالف آن ناهمسانی واریانس ها در نظر گرفته می شود. جدول (۵) نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی مدل را نشان می دهد.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی در مدل

احتمال	مقدار	روش	مدل اصلی
P-value	Value	Method	
۰/۰۸	۲/۱۱	Bartlett	مدل ۵
۰/۱۶۲	۳/۶۳	Bartlett	مدل ۶

با توجه به سطح معنی داری بدست آمده در جدول بالا که بیشتر از ۰/۰۵ است می توان نتیجه گرفت که جملات خطای مدل دارای واریانس همسان میباشند.

نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن مدل تحقیق

جدول (۷) نتایج آزمون F لیمر مدل را نشان می دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون F لیمر کوچکتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده های پانل (Panel) استفاده خواهد شد.

جدول (۶): آزمون اف لیمر (چاو) مدل اول تحقیق

نتیجه آزمون	P-Value	مقدار	آماره	مدل
Panel	۰/۰۰۰	۳/۵۳	F لیمر	مدل ۱
Panel	۰/۰۰۴۴	۱/۵۰	F لیمر	مدل ۲

در مرحله بعد به بررسی این موضوع پرداخته می شود که آیا عرض از مبدأ بصورت اثرات ثابت است یا اینکه در ساختار واحدهای مقطعی بصورت تصادفی عمل می کند. همانطور که در فصل سوم گفته شد آماره این آزمون که برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی بودن تفاوت های واحدهای مقطعی است دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل بوده است. جدول (۶) نتایج مربوط به آزمون هاسمن مدل های را نشان می دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون هاسمن در مدل های فوق کمتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل توجیه می شود که الگوی مناسب، الگوی مبتنی بر الگوی اثرات ثابت می باشد.

جدول (۷): نتایج آزمون هاسمن مدل تحقیق

نتیجه آزمون	P-Value	مقدار	آماره	مدل
اثرات ثابت (FE)	۰/۰۰۰۰	۹۳/۶۶	Cross-section Random	مدل ۱
اثرات ثابت (FE)	۰/۰۲۵	۲۱/۳۱	Cross-section Random	مدل ۲

آزمون فرضیه‌های تحقیق

جدول (۸): نتایج حاصل از برآورد مدل ۱

متغیر وابسته: AEM			
متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	P-value
عرض از مبدا	۰/۳۵۳	۰/۹۵	۰/۳۳
ACBUSSYNESS	۰/۰۳۶	۳/۶۶	۰/۰۰۰۳
ACSIZE	۰/۰۳	۰/۷۵	۰/۴۵۳
ACINDP	-۰/۰۳۱	-۰/۷۵	۰/۴۵۳
ACMEET	۰/۲۵۸	۵/۲۳	۰/۰۰۰
ACEXP	۰/۰۶۱	۲/۱۹	۰/۰۲۸۶
LOOS	۰/۰۰۶	۰/۲۶۸	۰/۷۸۸
SIZE	-۰/۰۱۳	-۰/۷۱	۰/۴۷۸
LEVERAGE	۰/۱۷۸	۲/۹	۰/۰۰۳
ROA	۰/۱۸۳	۴/۳۲	۰/۰۰۰
BIG	۰/۰۰۱	۰/۰۳۴	۰/۹۷۲
LOGAUDITFEE	-۰/۰۵۴	-۲/۵۴	۰/۰۱۱
IINDEPENDENTDIRECTORS	-۰/۰۸۶	-۲/۵۳	۰/۰۱۱
ضریب تعیین: ۰/۵۱		ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۲	
آماره دوربین واتسون: ۲/۰۷	آماره F: ۲/۲۵	احتمال آماره F: ۰/۰۰۰۰	

فرضیه اول تحقیق بیان می‌کند که مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی تأثیر معنی داری دارد. همانگونه که نتایج مندرج در جدول (۸) نشان می‌دهد، P-value (احتمال آماره) محاسبه شده برای متغیر مستقل مشغله اعضای کمیته حسابرسی (ACBUSSYNESS)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده ی آن متغیر (۰/۰۳۶) می‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته ارتباط مثبت و معنی داری دارد. به عبارت دیگر، مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی تأثیر مثبت و معنی داری دارد. بنابراین فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد. همچنین از بین متغیرهای کنترلی متغیر نرخ بازده داراییها (ROA) و اهرم مالی (LEVERAGE) تعداد جلسات کمیته حسابرسی (ACMEET) و تخصص کمیته حسابرسی (ACMEET) رابطه مثبت و معنی داری با مدیریت سود تعهدی دارد و استقلال هیئت مدیره (IINDEPENDENTDIRECTORS) و حق الزحمه حسابرسی (LOGAUDITFEE) رابطه منفی و معنی داری با متغیر وابسته دارد.

همچنین طبق نتایج برآورد مدل ۱ در جدول (۸) مشاهده می‌شود ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۵۱ است. این عدد نشان می‌دهد که ۵۱ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است. مقدار آماره دوربین واتسون نیز عددی بین ۱/۵ و ۲/۵ (۲/۰۷) را نشان میدهد که نشان دهنده عدم همبستگی جملات خطا در مدل می‌باشد. (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). به علاوه p-value (احتمال آماره F) آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

جدول (۹): نتایج حاصل از برآورد مدل ۲

متغیر وابسته: REM			
متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	P-value
عرض از مبدا	-۰/۹۱	-۰/۹۲	۰/۳۵۳
ACBUSSYNESS	۰/۲۴۶	۷/۵۶	۰/۰۰۰
ACSIZE	-۰/۵۲۷	-۲/۸۳	۰/۰۰۴
ACINDP	-۰/۱۱۱	-۰/۶۹	۰/۴۸۵
ACMEET	-۰/۱۱۸	-۰/۳۴	۰/۷۳۳
ACEXP	-۰/۵۹۲	-۶/۰۹	۰/۰۰۰
LOOS	۰/۰۷۸	۰/۷۲۴	۰/۴۶۹
SIZE	۰/۰۳۳	۰/۶۵	۰/۵۱۴
LEVERAGE	-۰/۴۷۹	-۲/۲۶	۰/۰۲۳
ROA	۰/۹۸۴	۵/۲۱	۰/۰۰۰
BIG	۰/۲۰۶	۱/۴۹	۰/۱۳۵
LOGAUDITFEE	۰/۱۴۹	۲/۵۲	۰/۰۱۲
IINDEPENDENTDIRECTORS	۰/۴۳۸	-۳/۱۶	۰/۰۰۱
ضریب تعیین: ۰/۷۷		ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۶۹	
آماره دوربین واتسون: ۲/۱۵		آماره F: ۹/۰۴	
		احتمال آماره F: ۰/۰۰۰۰	

فرضیه دوم تحقیق بیان می کند که مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی تاثیر معنی داری دارد. همانگونه که نتایج مندرج در جدول (۹) نشان می دهد، P-value (احتمال آماره) محاسبه شده برای متغیر مستقل مشغله اعضای کمیته حسابرسی (ACBUSSYNESS)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده ی آن متغیر (۰/۲۴۶) می باشد. در نتیجه می توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته ارتباط مثبت و معنی داری دارد. به عبارت دیگر، مشغله اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی تاثیر مثبت و معنی داری دارد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق تایید می گردد. همچنین از بین متغیرهای کنترلی متغیر اهرم مالی (LEVERAGE) اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE) و تخصص کمیته حسابرسی (ACEXP) و اهرم مالی رابطه منفی و معنی داری با مدیریت سود واقعی دارد و متغیر نرخ بازده داراییها (ROA) استقلال هیئت مدیره (IINDEPENDENTDIRECTORS) و حق الزحمه حسابرسی (LOGAUDITFEE) رابطه مثبت و معنی داری با متغیر وابسته دارد.

همچنین طبق نتایج برآورد مدل ۲ در جدول (۹) مشاهده می شود ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۷۷ است. این عدد نشان می دهد که ۷۷ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است. مقدار آماره دوربین واتسون نیز عددی بین ۱/۵ و ۲/۵، (۲/۱۵) را نشان میدهد که نشان دهنده عدم همبستگی جملات خطا در مدل می باشد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). به علاوه p-value (احتمال آماره F) آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می دهد در نتیجه می توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

نتیجه گیری

تحقیقات پیشین رابطه بین مدیریت سود و ویژگیهای کمیته حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. برای مثال یافته های تحقیق غفران و همکاران (۲۰۲۲)، نشان داد که اعضای که تعداد کرسی های هیئت مدیره بیشتری دارند، نقش نظارتی

کمتری در تمایل مدیران برای دستکاری سود دارند. همچنین تأثیر مخرب کمیته‌های حسابرسی پرمشغله در طول بحران مالی آشکارتر است و در مورد مدیریت سود واقعی، پس از آن مشاهده نمی‌شود. نتایج تحقیق مسمودی و فوراتی (۲۰۲۰) نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی و تنوع جنسیتی مدیریت سود واقعی را محدود می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که تخصص مالی کمیته حسابرسی امکان مشارکت در مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد. تحقیقات داخلی نیز تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند برای مثال تجویدی و قائم پناه (۱۴۰۰) نشان دادند که مشارکت کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی، افزایش استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود کمتر، رابطه معناداری دارد. همچنین یافته‌های تحقیق قائمی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که بین هر دو ویژگی کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی) با ضعف در کنترل‌های داخلی و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد اما بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که مشغله کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی و تعهدی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد یعنی با افزایش مشغله اعضای کمیته حسابرسی در سمت‌های دیگری منصوب می‌شوند و در شرکت‌های دیگر مشغول می‌گردند نقش نظارتی آنها ضعیف می‌شود و کارایی لازم را برقراری کنترل‌های داخلی سالم و قوی را از دست خواهند داد و مدیران این شرکت‌ها بیشتر اقدام به فعالیت‌های فرصت طلبانه نموده که منجر به افزایش مدیریت سود تعهدی و واقعی در شرکت می‌شود. یافته‌های این تحقیق با تحقیق غفران و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی دارد.

پیشنهادات کاربردی تحقیق

پس از انجام مراحل کلی تحقیق، محقق می‌تواند نظرات خود را درباره یافته‌ها و نتایج پژوهش و راهکارهایی برای بهبود و بسط تحقیقات آتی بیان کند. بدین سبب در ادامه پیشنهادات مطابق با نتایج پژوهش و همچنین برای تحقیقات آتی ارائه خواهد شد.

پیشنهاد برای تحقیقات آینده

با توجه به رابطه مثبت بین مشغله کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی و تعهدی پیشنهاد می‌شود که هیئت مدیره در انتصاب کمیته حسابرسی و انتخاب اعضای آن افرادی را که سمت‌های کمتری در شرکت یا سایر شرکت‌ها دارند بکارگیرند. با توجه به تأثیر منفی ویژگی‌های مثبت کمیته حسابرسی در اقدامات فرصت طلبانه مدیریتی پیشنهاد می‌شود که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در ترکیب کمیته حسابرسی از اعضای باتجربه و متخصص استفاده نمایند. به دولت و سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که الزامات، مقررات و استانداردهای لازم را برای جلوگیری از اقدامات فرصت طلبانه مدیریت سود دستکاری و دستکاری سود تدوین نمایند.

منابع

- ✓ تجویدی، الناز، قائم پناه، محسن، (۱۴۰۰)، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- ✓ قائمی، فاطمه، مرادی، زهرا، علوی، غلامحسین، (۱۳۹۹)، تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کنترل‌های داخلی و مدیریت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۲۵۹-۲۸۰.

- ✓ کرمی، غلامرضا، فرجی، امید، رحیم زاده، امین، (۱۳۹۷)، تخصص کمیته حسابرسی و مدیریت انتظارات، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۳۷-۵۴.
- ✓ خسروی، سعید، نخعی، حبیب الله، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر ارزش افزوده اقتصادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین همایش سراسری علم و فناوری هزاره سوم اقتصاد، مدیریت و حسابداری ایران، تهران.
- ✓ رحیمی، علیرضا، سلطانی نژاد، احمد صادق، شمس الدینی، کاظم، (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و اثربخشی کمیته حسابرسی، حسابداری و منافع اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۵۳.
- ✓ Ali, A. and Badhani, K.N. (2020), "Beta-anomaly: evidence from the Indian equity market", Asia-Pacific Financial Markets. doi: 10.1007/s10690-020-09316-2.
- ✓ Ali, H. (2019), "Does downside risk matter more in asset pricing? Evidence from China", Emerging Markets Review, Vol. 39, pp. 154-174.
- ✓ Balsam. Steven, Wei Jiang, Bo Lu ,(2012), Equity Incentives and Internal Control Weaknesses November 15, NO 48.,PP.1-34.
- ✓ Bansal, M., Ali, A. and Choudhary, B. (2021), "Real earnings management and stock returns: moderating role of cross-sectional effects", Asian Journal of Accounting Research, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/AJAR-11-2020-0107>
- ✓ Bilal, Chen, S., & Komal, B. (2018). Audit committee financial expertise and earnings quality: A meta-analysis. Journal of Business Research, 84, 253-270.
- ✓ Chen, Y., & Rhee, S. (2015). Stock Liquidity and Managerial Short-Termism. Journal of Banking & Finance.
- ✓ Clinch, G., Fuller, D., Govendir, B. and Wells, P. (2012), "The accrual anomaly: Australian evidence", Accounting and Finance, Vol. 52 No. 2, pp. 377-394.
- ✓ Dayanandan, A. and Sra, J.K. (2018), "Accrual management and expected stock returns in India", Journal of Accounting in Emerging Economies, Vol. 8 No. 4, pp. 426-441.
- ✓ Eliwa, Y., Haslam, J. and Abraham, S. (2016), "The association between earnings quality and the cost of equity capital: evidence from the UK", International Review of Financial Analysis, Vol. 48, pp. 125-139.
- ✓ Enny, S. M., & Yahn-Shir, C. (2020) "EARNING MANAGEMENT AND THE EFFECT CHARACTERISTICS OF AUDIT COMMITTEE, INDEPENDENT COMMISSIONERS: EVIDENCE FROM INDONESIA", International Journal of Business and Society, Vol. 21 No. 2, 569-587.
- ✓ Fama, E.F. (1970), "Efficient capital markets: a review of theory and empirical work", The Journal of Finance, Vol. 25 No. 2, pp. 383-417.
- ✓ Fama, E.F. and French, K.R. (2012), "Size, value, and momentum in international stock returns", Journal of Financial Economics, Vol. 105 No. 3, pp. 457-472.
- ✓ Fama, E.F. and MacBeth, J.D. (1973), "Risk, return, and equilibrium: empirical tests", Journal of Political Economy, Vol. 81 No. 3, pp. 607-636.
- ✓ Fazeli, Y.S. and Rasouli, H.A. (2011), "REM earnings management and the value relevance of earnings", International Research Journal of Finance and Economics, Vol. 62 No. 3, pp. 28-37.
- ✓ Ghafran, C. M., & O'Sullivan, N. (2017). The impact of audit committee expertise on audit quality: Evidence from UK audit fees. British Accounting Review, 49 (6), 1-16.
- ✓ Ghafran, Chaudhry & O'Sullivan, Noel & Yasmin, Sofia, (2022). "When does audit committee busyness influence earnings management in the UK? Evidence on the role of the financial crisis and company size," Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Elsevier, vol. 47(C).

- ✓ Gunny, K. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmark. *Contemporary Accounting Research* 27 (2), 855-888
- ✓ Healy, P. M., and Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, 13: 365-383.
- ✓ Huang, H.Y. and Ho, K.C. (2020), "Liquidity, earnings management, and stock expected returns", *The North American Journal of Economics and Finance*, Vol. 54, p. 101261.
- ✓ Jegadeesh, N. and Titman, S. (1993), "Returns to buying winners and selling losers: implications for stock market efficiency", *The Journal of Finance*, Vol. 48 No. 1, pp. 65-91.
- ✓ Jiang, J. and Lu, Q. (2017), "Earnings management and stock returns: theory and evidence", *International Finance*, Vol. 20, pp. 1-29, Pekin University.
- ✓ Kapoor, N. and Goel, S. (2017), "Board characteristics, firm profitability and earnings management: evidence from India", *Australian Accounting Review*, Vol. 27 No. 2, pp. 180-194.
- ✓ Lambert, R., Leuz, C. and Verrecchia, R.E. (2007), "Accounting information, disclosure, and the cost of capital", *Journal of Accounting Research*, Vol. 45 No. 2, pp. 385-420.
- ✓ Masmoudi, S.M. & Fourati, Y.M. (2020), "The impact of audit committee on real earnings management: Evidence from Netherlands", *Journal of Corporate Governance and Sustainability Review*, No 1, p. 33-46.
- ✓ Ngunjiri, G.G. (2017), "The effect of earnings management on financial performance of quoted companies in Kenya", Doctoral dissertation, University of Nairobi.
- ✓ Paiva, I.S., Lourenço, I.C. and Dias Curto, J. (2019), "Earnings management in family versus non-family firms: the influence of analyst coverage", *Spanish Journal of Finance and Accounting*, Vol. 48 No. 2, pp. 113-133.
- ✓ Roychowdhury, S. (2006), "Earnings management through REM activities manipulation", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42 No. 3, pp. 335-370.
- ✓ Sanjaya, P.S. and Saragih, M.F. (2012). The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX). *Journal of Modern Accounting and Auditing*, Vol. 8,
- ✓ Vinola, H.I. Kiki, M.W. (2016). Analysis the Effect of Company's Fundamental Characteristics and Real Earnings Management to Stock Return Moderated by Audit Quality OIDA International. *Journal of Sustainable Development*, 9(2): 23-44.